



• اشاره

قرآن کریم تاکنون بارها به زبان ترکی استانبولی ترجمه شده است. این ترجمه‌ها هر کدام ویژگی‌هایی دارند که آنها را از یکدیگر متمایز ساخته است. از جمله ترجمه‌هایی که در دو دهه اخیر انجام شده، ترجمه بهاءالدین ساغلام است. وی در سال ۱۹۶۰ در «سیرت» ترکیه تولد یافته و پس از طی مدارج علمی کتاب‌هایی در موضوعات گوناگون تألیف کرده است. ترجمه وی از قرآن کریم نیز یکی از آثار او به شمار می‌رود. گفت و گوی زیر، مطالبی را درباره این ترجمه و ترجمه‌های دیگری که به زبان ترکی استانبولی انجام شده است در اختیار خوانندگان محترم قرار می‌دهد. متن این گفت‌وگو توسط آقای امداد توران به فارسی ترجمه شده است.

ترجمان وحی

۱. لطفاً برای این که خوانندگان با شما بیشتر آشنا شوند، مختصری درباره زندگی و تحصیلات خود توضیح دهید.

من بهاءالدین ساغلام در سال ۱۹۶۰ در «سیرت» تولد یافتم. ابتدا وارد مکتب شدم و سپس طی دو دوره جداگانه، مجموعاً به مدت هفت سال تحصیلات کلاسیک مدارس

عثمانی را به پایان رساندم. علم احکام و شریعت را در سوریه آموختم. با این که تلاش کمی کردم، اما با رتبه ممتاز فارغ التحصیل شدم. پس از آن، مدت هشت سال در استانبول، با طلاب سروکار داشتم و به سؤال‌های مختلف دینی آنان پاسخ می‌دادم. سه - چهار بار رساله‌نور [نوشته سعید نوزسی] را خواندم. در این هنگام زبان عربی خود را کامل تر کردم. حدود ۲۵ سال است که درباره فلسفه، دین، علم و به ویژه تفسیر مشغول مطالعه و تحقیق هستم. تقریباً ده کتاب تألیف کرده‌ام. در یکی از این کتاب‌ها که مشتمل بر [تفسیر] ۹ سوره و ۱۰ پی‌نوشت است، جهانشمول بودن قرآن مطرح گردیده و نزدیک به سه هزار نکته مربوط به معانی و بیان، در آن بازگو شده است؛ مثلاً در ذیل آیه ۲۸۶ سوره بقره، قریب ۲۰۰ نکته بلاغی مطرح کرده‌ام. غیر از این کتاب، تفسیر مختصری نیز مشتمل بر سوره‌های یاسین، اخلاص، ناس و آیه الکرسی نگاشته‌ام. ردیة جالب توجهی بر علیه ملحدی به نام توران دورسون نوشته‌ام. ردیة‌ای بر «۱۹ معجزه ادیب بوکسل» تحریر کرده‌ام. البته به جای ردیة بهتر است بگوییم اصلاحیه. مالی (ترجمه‌ای) بر قرآن تدوین کرده‌ام. هم چنین کتابی نوشته‌ام مشتمل بر مال آیات و روایات و تعبیر موجود در رساله‌نور. چند کتاب نیز ترجمه کرده‌ام که یکی از آنها از آثار سیوطی است.

۲. انگیزه شما از تدوین مال (ترجمه) قرآن کریم چه بود؟

در سال‌های ۱۹۸۰ به بعد، در استانبول دوستی به نام اسماعیل آجارکان داشتم. زبان عربی او ضعیف بود، ولی مایل بود با استفاده از نقاط قوت همه ترجمه‌ها، ترجمه‌ای جدید از قرآن تدوین کند. من که به او کمک می‌کردم، به این وسیله با ترجمه‌ها انس گرفتم، ولی سرانجام به این نتیجه رسیدم که نمی‌توان با گردآوری ترجمه‌های مختلف، ترجمه‌ای از قرآن به دست داد. به او گفتم: این کار را به من واگذار کن، من به خواست خدا ترجمه‌ای جدی عرضه خواهم کرد. در واقع ما در ترکیه با تورم شدید ترجمه قرآن رو به رو هستیم. حدود ۶۰ ترجمه قرآن نوشته و منتشر شده است؛ اما ترجمه‌ای که به جنبه‌های ادبی و بلاغی و ابعاد معنوی قرآن پرداخته باشد نوشته نشده است. به این دلیل و دلایل مختلف دیگر من به این ترجمه اقدام کردم. البته منظورم این نیست که ترجمه من معانی گسترده قرآن را منعکس می‌کند. ترجمه‌ها اساساً مرصاد [بزنگاه] هستند و آینه یک تفکر به شمار می‌روند. اما این گونه نبوده است که من تنها برای این که قرآن ترجمه گردد و اجمالاً معلوم شود که چگونه کتابی است،

گفت و گویی با آقای بهاء‌الدین ساغلام... ۷۵ □

دست به ترجمه تحت اللفظی قرآن زده باشم. اصولاً از هیچ کتابی ترجمه تحت اللفظی [موفق] انجام نشده است تا قرآن یا کتاب‌های آسمانی دیگر دوّمین آن باشد. در ترجمه قرآن باید مترجم خود را مخاطب قرآن تلقی کند و هر معنایی به او القا می‌شود، آن را با زبان روز، به بهترین وجه بیان کند. مآل (ترجمه) واقعی همین است. این را نمی‌توان ترجمه نامید، زیرا ترجمه قرآن ممکن نیست.

۳. در ترجمه قرآن چه نکاتی را در نظر داشتید و از کدام ترجمه‌ها و منابع بهره گرفتید؟

قرآن دریایی است مشتمل بر لایه‌های معنایی بی‌پایان که اشارات، رموز، معانی ظاهری و باطنی فراوانی در آن به چشم می‌خورد و حقیقتاً نمی‌توان این همه را در یک ترجمه گنجانید؛ اما می‌توان با شیوه‌ای قابل فهم بر همه آنها پرتو افکند و خلاصه‌ای مجمل به دست داد، که ما این را «مآل» می‌نامیم. قرآن را نمی‌توان ترجمه کرد، چون کلام بشر نیست. مثلاً تجزیه و تحلیل یک قطعه سنگ آسان است، اما تجزیه و تحلیل یک سلول خیلی دشوار است و شاید نیازمند تألیف یک دایرة المعارف یک میلیون صفحه‌ای باشد. قرآن نیز مانند سلول زنده است. کدهای ژنتیکی آن در اثر تغییرات افزایش و کاهش می‌یابد و نمی‌توان آن را در قالب یکی دو فرمول تبیین کرد، اما می‌توان چهارچوبی برای آن ترسیم نمود. این چهارچوب را «مآل» می‌نامیم. متأسفانه در ترکیه افراد زیادی هستند که «مآل» را می‌خوانند اما در عین حال بی‌دین‌اند. سبب آن این است که «مآل»‌ها که به نام ترجمه عرضه می‌شوند، صرفاً تکیه بر الفاظ دارند و آینه [بازتابنده معانی] قرآن نیستند.

۴. آیا مقصود شما از «مآل» معنای تأویلی قرآن کریم است؟

اساساً «تأویل» و «مآل» هم ریشه‌اند. مآل نوعی جهت دادن به معنی است. در مآل قرآن باید نشان داد که کلمات در ازای کدام واقعیت قرار دارند. من نمی‌توانم ادعا کنم که در مآل خود به طور کامل از عهده این کار برآمده‌ام، اما مآل من سلیس و روان است و به انسان آرامش می‌بخشد و در رساندن معنی — حتی اگر یک لایه معنایی وجود داشته باشد — در میان دیگر مآل‌ها ممتاز است. در حقیقت فهم قرآن وابسته به [فهم] نظم و معانی آن است؛ یعنی تا تناسب جملات و آیات با یکدیگر فهمیده نشود، مقصود واقعی قرآن فهمیده نخواهد شد. توجه به

سیاق آیات، حتی آیاتی که در ظاهر با هم ارتباطی ندارند، مراد آیه را به خوبی روشن می‌کند؛ درست مانند اعداد ریاضی که وقتی کنار هم قرار می‌گیرند ارزش آنها بیشتر می‌شود. مثلاً عدد ۲۲۲ را یک کودک ۲ و ۲ و ۲ می‌خواند، در حالی که ما آن را ۲۲۲ می‌خوانیم. وقتی قرآن را مانند یک کل در نظر بگیریم، بطون معنی بسیار افزایش می‌یابد. به نظر من بدترین بی‌احترامی به قرآن این است که آن را مانند کلام بشر بدانیم و به ترجمه آن اقدام کنیم. من وقتی به تدوین مآل خود مشغول بودم، همواره این سؤال برایم مطرح بود که آیا این مآل حتی در یک معنی یا در یک بطن نشانگر اعجاز هست یا نه؟ معیار و مقیاس من این بود. جایی که مآل من نشانگر اعجاز بود برای من بهجت آور بود و احساسی معنوی در روح من ایجاد می‌کرد و می‌فهمیدم که به هدف رسیده‌ام؛ اما اگر این طور نبود، دست از کار می‌کشیدم و چیزی نمی‌نوشتیم. نکته دیگر این که وقتی به کار مآل اشتغال داشتم، به علت این که با زبان عربی خوب آشنا بودم، و قبلاً هم حدود ده سال روی قرآن کار کرده بودم، از مآل‌ها و تفاسیر دیگر بهره نگرفتم، زیرا این کار باعث تشویش ذهن می‌شد. البته من به عنوان یک مخاطب، با این که عربی می‌دانم، در موارد پیچیده و برای تحلیل محتوایی به تفاسیر و [فرهنگ] لغت مراجعه می‌کنم. این یک مسئله دیگر است، ولی پیش از این مرحله باید بینم قرآن به من به عنوان یک مخاطب چه می‌گوید. من آنچه را که فهمیده‌ام نوشته‌ام؛ بعد آن را با مآل‌ها و تفاسیر دیگر مقایسه کرده‌ام تا بینم چقدر مصیب بوده‌ام و چقدر خطا کرده‌ام.

۵. آیا منبع شما هنگام نوشتن مآل، متن قرآن بود یا یکی از ترجمه‌های آن؟

من در فعالیت‌های قرآنی ام مآل (مفهوم) قرآن را اساس کار قرار دادم. به هیچ مآل یا تفسیری مراجعه نکردم، چون اگر از این منابع معنایی به من القا می‌شد، باعث تشویش ذهن و آشفتگی و گسستگی آن می‌شد و کار یکنواخت نمی‌شد. من پس از تدوین به مقابله پرداختم. بنابراین می‌توانم بگویم که مآل من از این جهت شاید اولین مآلی باشد که براساس متن اصلی انجام شده است.

گفت و گویی با آقای بهاء‌الدین ساغلام... ۷۷ □

۶. آیا این مآل را به تنهایی تدوین کردید؟

بلی، مآل را به تنهایی تدوین کردم، ولی چند نفر از دوستان که با این گونه مآل‌ها سر و کار داشتند، مآل مرا خواندند و پسندیدند. یکی دو خطای جزئی داشتم که تذکر دادند. بعد حرفچینی و چاپ شد. در نتیجه، به یک لحاظ محصول کار جمعی است و به یک لحاظ کار شخص من است.

۷. به نظر شما مآلی که عموم مردم بتوانند از آن استفاده کنند چه خصوصیات باید داشته باشد؟

همان طور که گفتم، اساساً برای نوشتن مآلی که عموم مردم بتوانند از آن استفاده کنند نباید کار انفرادی انجام داد. اما چون این امر در ترکیه امکان‌پذیر نیست، هر کسی مانند یک نظام لیبرال چیزی می‌نویسد. علما باید بر هر دو زبان عربی و ترکی مسلط باشند و علاوه بر این، اعجاز قرآن را نیز مورد توجه قرار دهند. به تعبیر بدیع‌الزمان، قرآن مَهْری دارد و مَهْر قرآن اعجاز آن است. اگر مآلی که نوشته می‌شود اعجاز قرآن را منعکس کند خوب است و گرنه معلوم می‌شود مآل نیست. ما هنوز در ترکیه نیازمند این هستیم که یک مآل سلیس، روان و قابل فهم داشته باشیم که بتواند اعجاز معنوی قرآن را منعکس کند. گرچه اقداماتی انجام شده، اما نتیجه‌بخش نبوده است. به عنوان مثال، اخیراً سَعَاد یلدیریم مآلی به همین منظور تهیه کرده است؛^۱ با این که با نیت خوبی تهیه شده اما متأسفانه مآل مطلوبی نیست. او مطالبی را از تفسیر اقتباس نموده و به نام مآل ارائه کرده است. بخشی از اسباب نزول را نیز که با آیات ربطی ندارد، بدون این که تحقیقی درباره آنها انجام دهد، [در مآل] گنج‌نیده است. گاه از نظم و گاه از نثر استفاده کرده است. شیوه بیانی استاندارد ندارد و نقاط ضعف فراوانی در آن به چشم می‌خورد.

۸. مهم‌ترین مشکلات در تدوین مآل قرآن چیست؟

به نظر من، مهم‌ترین مشکلات در تدوین مآل یکی این است که رعایت جنبه‌های لفظی و معنوی قرآن صد در صد در مآل امکان‌پذیر نیست. گاه نویسندگان می‌خواهد تعبیر از جهت

۱. برای معرفی کوتاهی از این اثر به زبان فارسی، نگاه کنید به «اخبار ترجمه» در ترجمان وحی، سال پنجم، ش ۱، شماره پیاپی ۹، شهریور ۱۳۸۰، ص ۱۵۹-۱۶۱.

لفظی دقیق باشد، معنی از دست می‌رود، و گاه می‌خواهد معنی را بشکافد، از مآل بودن خارج می‌شود و شکل تفسیر به خود می‌گیرد. این یک نکته ظریف و حساس است. مشکل دیگر این است که هیچ‌کس در تدوین مآل نمی‌تواند مدعی شود که تمام بطون قرآن را فهمیده است. اگر با عدم درک بطون چیزی بنویسد مآل نوشته است. اصولاً چیزی را که انسان نفهمیده است نمی‌تواند در قالب نوشته تفهیم کند.

۹. تاکنون چند مآل به زبان ترکی تدوین شده و به نظر شما، نویسندگان آنها تا چه حد در علوم اسلامی تخصص داشته‌اند؟

مآلهایی که تا کنون در ترکیه تدوین شده نزدیک به ۶۰ مآل است. تعداد دقیق آنها را نمی‌دانم. برخی از آنها را اساتید صاحب کرسی تفسیر [در دانشگاه‌ها] و دیگر اساتید برجسته و برخی را هم افراد عادی تدوین کرده‌اند. برخی هم از مآلهای مختلف اقتباس نموده‌اند. در مجموع، اقداماتی که در ترکیه انجام می‌گیرد با موفقیت همراه نیست. من این را به صراحت می‌گویم که ترکیه در این مورد وضع مطلوبی ندارد. به عنوان مثال، مرحوم المالی در دهه ۱۹۳۰ با توجه به شرایط سخت آن زمان تفسیر خوبی نوشته، اما کافی نیست، یعنی شاید فقط یک دهم قرآن را منعکس کند. من وقتی تفسیر او را مطالعه می‌کنم، شاید یک هزارم نکات اعجاز آمیزی را که به دنبال آن هستم در آن نمی‌یابم. با این همه تفسیر خوبی است و منبعی است که از آن استفاده می‌شود. بدیع الزمان طرح خوبی درباره تفسیر داشت که اگر جنگ از میر رخ نمی‌داد، این طرح را به انجام می‌رسانید. او می‌خواست کمیته‌هایی متشکل از متخصصان هر رشته تشکیل دهد و نکات جالب تفاسیر قدیمی را گردآوری کند و تفسیر جدیدی تدوین نماید، اما جنگ از میر اتفاق افتاد و بعد هم شرایط سخت جمهوریت در ترکیه پیش آمد و او موفق به تدوین آن تفسیر نشد. به هر حال، من می‌گویم چه در مآل و چه در تفسیر، هر بیانی که اعجاز قرآن را منعکس نکند ربطی به قرآن ندارد. اعجاز لازمه قرآن و جزء لاینفک آن است.

۱۰. آیا در ترکیه منابع کافی برای تدوین یک مآل وجود دارد؟

در ترکیه منابع کافی برای تدوین مآل قرآن وجود دارد. افراد زیادی هستند که کتابخانه‌های غنی دارند. کتابخانه‌های قدیمی هم هست. به نظر من در ترکیه مشکل منبع وجود ندارد، اما مشکل فکری هست. شاید منابع بیش از مقدار لازم باشد، اما به اندازه کافی تأمل نمی‌شود. قرآن دائماً ما را به تفکر وامی‌دارد. ما نباید به عنوان یک شغل و با عجله مآلی را تهیه کنیم و سرمایه‌ای به جیب بزنیم؛ باید بیش از اینها در قرآن تأمل کرد. شما تفسیر سید قطب را ببینید؛ یک تفسیر جهت‌دار است و به طرز جالبی به جوانان جهت می‌دهد. به نظر من جهان اسلام اعم از ایران، مصر و ترکیه باید نکات مثبت تمام تفاسیر را گردآوری کنند.

۱۱. اگر برای تدوین مآل کامل قرآن به زبان ترکی توصیه‌ای دارید بفرمایید

توصیه من این است که با اساس قرار دادن اعجاز قرآن و با توجه به تفاسیر قدیمی و محسّنات آنها، مآل و تفسیر جامعی نوشته شود که با فهم معاصر سازگار باشد. مآل کافی نیست، باید تفسیر هم مورد توجه قرار گیرد.